

بررسی حرفِ اضافه (از) در چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی

ارسلان گلفام

دانشگاه تربیت مدرس

مصطفی عاصی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فردوس آقاگل زاده

دانشگاه تربیت مدرس

فاطمه یوسفی راد

دانشگاه پیام نور

چکیده

در این پژوهش در بر آنیم که نشان دهیم روش متعارف کتاب‌های دستور زبان فارسی در ارائه معانی حروف اضافه زبان فارسی، تنها محدود به فهرست کردن کاربردهای آنهاست بدون آن‌که از ارتباط میان آن‌ها و برانگیختگی معانی گفتگویی به میان آید. این پژوهش روش کفایت‌مندتر را معرفی می‌کند که بر پایه یک شبکه معنایی مبتنی بر شباهت‌های خانوادگی نوع نخست‌محور شکل گرفته است و روابط مفهومی میان این معانی را نیز ظاهر می‌سازد. در نتیجه این تصور را که معانی حروف اضافه کاملاً دلخواهی هستند، رد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی شناختی، حروف اضافه مکانی، حرف اضافه (از).

۱. مقدمه

مطالعات پیشین که در زبان فارسی روی حروف اضافه انجام شده‌اند منابع خوبی برای اطلاعات توصیفی و گاه تاریخی در مورد حروف اضافه هستند اما در مورد ارتباط بین معانی مختلف و تبیین چگونگی این ارتباط چیزی نمی‌گویند. این مطالعات غالباً فهرستی از کاربردهای مختلف ارائه می‌دهند ولی هیچ توضیحی برای انگیزش این معانی ندارند، به‌گونه‌ای که از نگاه آن‌ها معنای حروف اضافه کاملاً دلخواهی به‌نظر می‌رسد.

اما گلفام و یوسفی راد (۱۳۸۵) در مقاله‌ای زیر عنوان "حروف اضافه مکانی در چارچوب شناختی: مطالعه موردی حرف اضافه در/ توی"، که به‌نظر می‌رسد نخستین مطالعه حروف اضافه زبان فارسی در چارچوب شناختی است، به بررسی حروف اضافه در چارچوب شناختی می‌پردازند. آنان معتقدند از آن‌جا که مفاهیمی که حروف اضافه بیان می‌کنند از مفاهیم شناختی اولیه ما هستند، بنابراین منبعی غنی برای مطالعه و نیز ارزیابی آموزه‌های معناشناسی شناختی به‌حساب می‌آیند. نویسندگان پس از معرفی رویکرد معنی‌شناسی شناختی به حروف اضافه، نشان می‌دهند که رویکرد شناختی با مددجستن از مفاهیمی چون طرح‌واره، شکل و زمینه، انطباق و غیره می‌تواند نسبت به رویکردهای سنتی تبیین بهتری از حروف اضافه به‌دست دهد. درواقع مقاله مذکور را می‌توان نقطه عزیمت پژوهش حاضر دانست.

یکی از مفاهیم اساسی و محل بحث در معنی‌شناسی شناختی، مبحث حروف اضافه، به‌ویژه حروف اضافه مکانی است. یعنی حروف اضافه‌ای که در معنای اول خود دلالت مکانی دارند. در چارچوب شناختی، پژوهش‌های متعددی درخصوص قاعده‌مند بودن کاربرد حروف اضافه مکانی انجام شده است. معنای حروف اضافه مکانی را می‌توان براساس رابطه شکل و زمینه درک کرد. در زبان‌های مختلف پژوهش‌های متفاوتی درخصوص آن‌دسته از ویژگی‌های شکل و زمینه که انتخاب حرف اضافه مناسب را مقدور می‌سازند انجام شده است.

نکته حائز اهمیت این است که بسته به نوع مفهوم‌سازی و برجسته‌سازی ابعاد مختلف موقعیت، در بازنمایی یک موقعیت واحد می‌توان از حروف اضافه متفاوت استفاده کرد و نیز در زبان‌های مختلف، در شیوه بازنمایی زبانی یک صحنه واحد، یک‌دستی وجود ندارد. به‌گونه‌ای که اگر بتوان برای روابط مکانی، طیفی را تصور کرد، زبان‌های مختلف در این طیف بُرش‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند، پس حروف اضافه هر زبان دارای ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فردی هستند که باید تدقیق شوند و این مهم هنوز در زبان فارسی صورت نگرفته است.

در این پژوهش در پی آنیم که به بررسی معناشناختی یکی از حروف اضافه مکانی زبان فارسی یعنی (از) بپردازیم. نگاه پژوهش، نگاهی شناختی است و با توسل به مفاهیمی شناختی نظیر شکل، زمینه، طرح‌واره، حوزه و استعاره سعی در تبیین معانی مختلف این حرف اضافه مکانی دارد. به این ترتیب که نخست معانی اولیه و اختصاصاً مکانی این حرف اضافه را مورد

بررسی حرف اضافه (از) در چارجوب معناشناسی ...

بررسی قرار خواهد داد و ویژگی‌هایی را که در انتخاب آن دخیل‌اند، بر خواهد شمرد. در گام بعد به بررسی معانی بسط‌یافته این حرف اضافه خواهد پرداخت. فرضیه اساسی پژوهش آن است که میان معانی مختلف هر حرف اضافه، ارتباطی منسجم و نظام‌مند وجود دارد، ارتباطی که به-لحاظ شناختی، انگیزه است.

۱.۱. تعریف معناشناختی حروف اضافه مکانی

" به‌لحاظ معناشناختی، حرف اضافه رابطه‌ای را بین دو موضوع X و Y بیان می‌کند که Y آن بخش از سازه حرف اضافه‌ای است که حرف اضافه با آن ترکیب می‌شود و X تشکیل شده از یک یا دو عنصر از بقیه جمله و یا از گفتمان مجاور که شامل هسته آن سازه‌ای است که گروه حرف‌اضافه‌ای، متمم یا افزوده آن است. حال حروف اضافه مکانی، بیان‌گر یک رابطه مکانی بین دو موضوع X و Y هستند، یعنی این دو چگونه در مکان با هم رابطه دارند، به‌طور دقیق‌تر در بسیاری از موارد، حروف اضافه مکانی، موقعیت X را با استفاده از Y به‌عنوان مرجع توصیف می‌کنند و یا به‌عبارت‌دیگر X را نسبت به Y یا مکان Y، مکان‌یابی می‌کنند." (کایکنز، ۱۹۹۱: ۸۱-۸۰)

در چنین شرایطی X را شکل (trajectory) و یا به‌اختصار TR و Y را زمینه (landmark) و یا به‌اختصار LM می‌نامند.

۲. روش انجام پژوهش

الف: نخست جملات و عبارات حاوی حرف اضافه موردنظر جمع‌آوری شدند. این داده‌ها عمدتاً از پایگاه داده‌های زبان فارسی (<http://pldb.ihcs.ac.ir>)، و نیز مطالعه متون روزنامه ای و خبری جمع‌آوری شدند. در مطالعه متون روزنامه‌ای و سایت‌های خبری سعی شد که متونی با سبک‌ها و موضوعات مختلف خوانده شوند تا داده‌ها و کاربردهای حرف اضافه موردنظر محدود به سبک خاصی نباشند. مثلاً هم مطالب مربوط به ورزش و آشپزی مطالعه شد تا از این رهگذر معانی ملموس حرف اضافه موردنظر به‌دست آید و هم مطالب انتزاعی‌تر مثل تحلیل‌های سیاسی و ادبی، تا معانی انتزاعی حرف اضافه هم حاصل آید. همچنین سعی شد از اتکا به شم و درون‌نگری تاحدیمکن دوری شود. علت آن است که:

"زبان‌شناسان شناختی به شدت نسبت به استفاده از درون‌نگری در روش-شناسی زبان‌شناسی معترض‌اند (گیرآرتز^۱، گروندلرز و باکما، ۱۹۹۴، سندرا و رایس، ۱۹۹۵). استناد نظریه‌پردازان به دانش شمی‌شان از پدیده مورد مطالعه ممکن است به ارائه نتایج موردی بینجامد. دو گزینه دیگری که در حال حاضر به جای درون‌نگری در زبان‌شناسی شناختی مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از آزمایش‌های مبتنی بر روان‌شناسی زبان و تحلیل پیکره‌ای. آزمایش‌های مبتنی بر روان‌شناسی زبان به پژوهش‌گر اجازه می‌دهند که عکس‌العمل کاربران زبان به برخی پدیده‌های خاص را بررسی کند. مانند قضاوت در مورد نوع نخست بودن و یا حاشیه‌ای بودن یک معنای خاص از داده. تحلیل پیکره‌ای نیز اطلاعات وسیعی در مورد پدیده زبانی مورد نظر فراهم می‌آورد" (ناوارو و فراندو، ۲۰۰۲: ۲۱۲).

ب: پس از جمع‌آوری داده‌ها، کاربردهای مختلف حرف اضافه دسته‌بندی می‌شوند. در دسته-بندی کاربردها، عواملی چون ویژگی‌های LM، این که صفر، یک، دو یا سه بعدی باشد، نوع رابطه بین LM و TR، چه به لحاظ هندسی و چه به لحاظ نقشی بررسی شده و این هر دو هم برای پیکره‌بندی مکانی- یعنی آن گاه که حرف اضافه مورد نظر بیان‌گر یک رابطه مکانی است- و هم برای معنای بسط‌یافته حرف اضافه در حوزه زمان و یا حوزه‌های انتزاعی چون حالت، علت و... بررسی می‌شود.

ج: سپس معنای نوع نخست حرف اضافه مورد نظر را مشخص می‌کنیم. این معنا طبق فرض، معنای مکانی حرف اضافه است. اما باید توجه داشت که هر حرف اضافه در بیان روابط مکانی نیز دارای کاربردهای گسترده‌ای است و انتخاب آن رابطه مکانی که حرف اضافه مورد نظر در معنای نوع نخست خود به آن دلالت دارد، دقت و توجه خاص می‌طلبد و قواعدی دارد که در ادامه خواهد آمد. به این ترتیب در درون کاربردهای مکانی هم، پیکره‌بندی مرکز- حاشیه مشاهده می‌شود. یعنی برخی کاربردهای مکانی هر حرف اضافه حاشیه‌ای ترند و برخی اصلی‌تر. انتخاب معنای مکانی به عنوان معنای نوع نخست مسأله‌ای دلخواهی نیست و ریشه در درک سنتی مکان‌گرا^۲ از روابط حالت دارد که در آن هم ابعاد مکانی معنا، اساسی در نظر گرفته می‌شد. ولی در عین حال، شواهد مستقل دیگری هم مبنی بر نوع نخست بودن معنای مکانی می‌توان جست. این شواهد عبارتند از تحلیل بسامدی پیکره داده‌ها، تحلیل روان‌شناختی از نوع بررسی میزان سهولت تولید یا بازیابی هر معنی از سوی آزمودنی‌ها.

1. D. Geeraerts

2. Localist

بررسی حرف اضافه (از) در چارچوب معناشناسی ...

د: حال معنایی دیگر حرف اضافه را نیز از میان کاربردهای متعدد آن انتزاع می‌کنیم. سپس ارتباط بین معنایی مختلف با معنای نوع نخست و نیز ارتباط احتمالی بین معنایی مختلف را به دست می‌آوریم. به پیروی از بروگمان^۱ و لیکاف^۲ (۲۰۰۳) معتقدیم که تنها انواع محدودی ارتباط بین معنایی مختلف یک حرف اضافه یا به‌طور کلی یک واژه ممکن است و این ارتباطات همان فرایندهایی هستند که در تغییر معنایی در زمانی هم نقش ایفا می‌کنند و این روابط را بسط معنایی، تحدید معنایی، تغییر معنایی و بالاخره مجاز و استعاره می‌دانیم.

و: حال با توجه به ارتباطات موجود میان معنایی حرف اضافه، شبکه معنایی آن را ترسیم می‌کنیم. در نهایت سعی می‌کنیم تبیینی از رابطه بین معنایی مختلف حرف اضافه مورد نظر به دست داده شود.

اما در مورد محدودیت‌های پژوهش حاضر باید این نکته را ذکر کرد که این تحقیق صرفاً به بررسی "از" در کاربرد حرف اضافه‌اش می‌پردازد. پر واضح است که این محدودسازی حیطة پژوهش صرفاً به دلیل محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر و عملی هر پژوهش علمی است و بررسی این موارد خود موضوع پژوهشی ارزشمندی می‌تواند باشد.

۳. حرف اضافه (از) در رویکرد سنتی

پیش از بررسی (از) در چارچوب شناختی به بررسی نحوه برخورد با این حرف اضافه در دو دستور سنتی زبان فارسی می‌پردازیم. نخستین کتاب، دستور زبان فارسی خلیل خطیب رهبر است (۱۳۶۷، ۱۰۳-۷۵) و دیگری کتاب دستور جامع زبان فارسی استاد عبدالرحیم همایونفرخ (۱۳۶۴، ۷۰۲-۶۹۸) می‌باشد.

خطیب رهبر (۱۳۶۷، ص ۷۵) ۲۹ معنا برای (از) بر می‌شمرد که نخستین آن: "ابتدای غایت" است که خود به دو زیربخش مکانی و زمانی تقسیم شده است. این ۲۹ معنا به ترتیبی که خطیب رهبر آورده در اینجا ذکر می‌شود:

- | | |
|--------------------|-----------------|
| ۱. ایت | ۱۶. ظرفیت |
| ۲. احتواء | ۱۷. عوض و بدل |
| ۳. اختصاص | ۱۸. فصل و تمیز |
| ۴. استعانت و واسطه | ۱۹. مترادف "بر" |
| ۵. انتساب | ۲۰. مترادف "به" |

1. C. Brugman

2. G. Lakoff

۶. تبعیض	۲۱. مترادف رای مفعولی و برای تعدیه
۷. تبیین جنس	۲۲. مترادف "درباره"
۸. تعریف	۲۳. مترادف "کسره اضافه"
۹. تعلیل	۲۴. مجاوزت
۱۰. تفضیل	۲۵. مصاحبت و معیت
۱۱. تکثیر در وصف	۲۶. مقابله
۱۲. توالی و تعاقب	۲۷. مقایسه و نسبت
۱۳. توضیح	۲۸. مقدار و اندازه
۱۴. حال	۲۹. موافقت و مطابقت
۱۵. سوی و جانب	

اما استاد همایونفرخ (۱۳۶۴: ۷۰۲-۶۹۸) نیز می‌گوید که (از) چند معنی و مورد استعمال مختلف دارد:

"یکم: ابتدا و شروع و حد را دلالت کند و در این صورت غالباً در همان جمله کلمه "تا" ذکر شود برای انتها. در اینحال جزو حروف پیشین جفتی محسوب گردد.

دوم: ماده و جنس و ساختمان را اشاره نماید و بفهماند.

سوم: گاهی معنی نزدیک به با و بواسطه از آن استنباط شود.

چهارم: گاهی معنی بلند شدن و دور شدن و جدا شدن به معانی افعال و

کلماتی که تحت نفوذ آن درآیند بخشد.

پنجم: برای مقایسه نسبت و سنجیدن دو چیز یا دو مقصود است.

ششم: گاهی به مناسبت بعضی کلمات یا افعال که در جمله آید معنی شبیه

و نزدیک به معنی بر ضد، در جلو و غیره دهد.

همایونفرخ مثال این معنا را بیت زیر آورده است:

بهدانه ایست خالت افتاده برزنخندان

باید که گوش داری ز آسیب روزگارش

هفتم: چون بعضی کلمات در دنبال آن در آید سبب و علت و وسیله را بیان

نماید.

بررسی حرف اضافه (از) در چارجوب معناشناسی ...

هشتم: گاهی معنی شبیه به "درباره" از آن استنباط شود. مثال:

این لطایف کازلب لعل تومن گفتم که گفت

وین تطاول کازسرزلف تومن دیدم که دید

نهم: معنای نهمی که وی برای (از) بر می‌شمرد معنای مالکیت در ترکیب (از آن) است.
دهم: و بالاخره معنای آخر را "تبعیض" بر می‌شمرد مثال: از خوراک‌ها چه را دوست داری؟

از بررسی نحوه مواجهه با (از) به‌عنوان نمونه‌ای از حروف اضافه مکانی در دو دستور سنتی همایونفرخ و خطیب رهبر نکات زیر به دست می‌آید:

۱. هر دو نویسنده، (از) را چندمعنا در نظر گرفته‌اند یعنی رویکرد چندمعنایی به معناشناسی حروف اضافه داشته‌اند.

۲. هر دو نویسنده برای معانی مختلف (از) فهرستی ارائه داده‌اند که کاملاً دلخواهی می‌نماید، یعنی همان‌طور که انتظار می‌رفت، هیچ توجهی به نحوه ارتباط بین معانی مختلف نشده است.

۳. هر دو نویسنده، نخستین معنای (از) را "ابتدا و شروع" ذکر کرده‌اند. این می‌تواند به آن معنا باشد که هر دو نویسنده، این معنا را معنای نوع نخست (از) دانسته‌اند. اما در این مورد تردید وجود دارد چرا که اولاً هیچ اشاره‌ای به این که این معنا، معنای اصلی، اول یا مهم‌تر حرف اضافه مورد نظر باشد، نشده است و دوماً خطیب رهبر در بررسی معنای حرف اضافه "در"، برخلاف انتظار، معنای ظرفیت را به‌عنوان معنای اول این حرف اضافه ذکر نکرده بلکه این معنا را به جایگاه معنای هشتم نزول داده است. بنابراین این ظن که ترتیب معانی هم دلخواهی است تقویت می‌شود. البته شق دیگری هم به لحاظ منطقی متحمل است و آن این که گفته شود خطیب رهبر معنای نوع نخست "در" را ظرفیت نمی‌داند، بلکه "الصاق" را - که نخستین معنایی است که وی برای "در" ذکر کرده - معنای نوع نخست "در" می‌داند.

۴. حرف اضافه (از)، رویکرد معنانشناسی شناختی

عبارات و جملات زیر را در نظر بگیرید:

- ۱- /از اینجا تا شیراز خیلی راهه.
- ۲- /از مدت‌ها پیش.
- ۳- /از آخرین قربانیان.
- ۴- /بیش از ۳۰ سال است که.
- ۵- خانه‌های کوچک درون کانکس‌ها/از تمیزی برق می‌زند.
- ۶- لباسش /از ابریشم است.
- ۷- از پل گذشتم، ساعت /از ۷ گذشته.
- ۸- مثنوی آفرین‌نامه /از ابوشکور بلخی.

پس از بررسی نمونه‌های متعدد کاربرد، جملات و عبارات بالا به‌عنوان گونه‌های کاربرد (از) استخراج شدند. (از) در هریک از جملات و عبارات بالا در معنای متفاوت‌ازدیگری به‌کار رفته است.

- در (۱) بیانگر نقطه آغاز در مکان است.
- در (۲) بیانگر نقطه آغاز و مبدأ زمانی است.
- در (۳) بیانگر بخشی از یک کل است.
- در (۴) برای مقایسه به‌کار رفته و LM آن مبدأ و نقطه عزیمت مقایسه است.
- در (۵) بیانگر علت است.
- در (۶) بیانگر جنس است.
- در (۷) بیانگر گذر از یک نقطه خاص در مکان یا زمان است.
- و بالاخره در (۸) به خالق اثر دلالت دارد.

نکات:

۱. در کاربرد مکانی (از)، پیکره‌بندی مکانی LM پیچیدگی زیادی ندارد، در واقع مشخصات هندسی آن اهمیتی ندارند و LM صفر بُعدی و نقطه‌وار، مفهوم‌سازی می‌شود.
۲. در این جا هم به‌نظر می‌رسد که تعریف مبتنی بر شرایط لازم و کافی، پاسخ رضایت-بخشی از معنای (از) به‌دست نمی‌دهد. (از) را چگونه تعریف کنیم که همه کاربردهای بالا را شامل شود؟ ملاحظه می‌شود که ارائه تعریفی جامع و مانع برای (از) ممکن نیست بلکه

1. instance/ token
2. type

بررسی حرف اضافه (از) در چارجوب معناشناسی ...

مجموعه معانی و کاربردهای حرف اضافه (از) باهم شباهت خانوادگی دارند و یک شبکه معنایی می‌سازند.

۱.۴. عدم کفایت تعریف مبتنی بر شرایط لازم و کافی

چگونه می‌توان تعریفی واحد از معنای (از) ارائه داد به طوری که همه این موارد را دربر بگیرد، باتوجه به آن که در سنت معناشناسی معمولاً ویژگی‌های LM جزء معنای حرف اضافه محسوب می‌شود؟ چه تعریفی می‌توان از حرف اضافه (از) ارائه داد که بتواند همه پیکره بندی-های فوق را شامل شود؟

به نظر می‌رسد که باید از تلاش برای یافتن یک تعریف واحد مبتنی بر شرایط لازم و کافی منصرف شویم. چراکه اگر بخواهیم تعریفی ارائه دهیم این تعریف باید جامع و مانع باشد، یعنی اولاً تمام مواردی که با (از) بیان می‌شوند را دربر بگیرد و ثانیاً تنها همین موارد را دربر گیرد. توجه به این نکته، روشن می‌کند که ارائه تعریفی مبتنی بر شرایط لازم و کافی برای (از) ممکن نیست بلکه (از) دارای یک شبکه معنایی است با گره‌های متعدد که ارتباط بین این گره‌ها از طریق شباهت خانوادگی برقرار می‌شود. یعنی گره‌های مجاور، معانی نزدیک به هم حرف اضافه هستند که دارای برخی ویژگی‌های مشترکند ولی گره‌های دور از هم، لزوماً با هم ویژگی مشترک ندارند. حال پرسش بعدی این است که ارتباط بین گره‌های مجاور در شبکه چندمعنایی چگونه تبیین می‌شود.

این پژوهش در پی آن است که نشان دهد معانی مختلف هر حرف اضافه، یک شبکه شعاعی می‌سازند که روابط بین گره‌های موجود در آن دلخواهی نیست. به بیان بروگمان و لیکاف (۲۰۰۳: ۱۱۰-۱۰۹):

"ادعای نظری که در این جا مطرح می‌شود این است که واحد واژگانی چندمعنا یک مقوله شعاعی متشکل از معانی است. آنچه برای هدف ما مهم است این است که نوع ساختار شبکه‌ای که در این جا یافت می‌شود به صورت موردی^۱ برای توصیف این مجموعه واقعیت‌ها دست‌وپا نشده است، بلکه یک ساختار متداول مقوله‌ای است که در حوزه‌هایی جز واژگان هم روی می‌دهد. استفاده از نظریه عام مقولات در توصیف چندمعنایی، پیامد مهمی دارد. در نظریه عام، روابط بین اعضای شبکه، دلخواهی نیست. نظریه مقولات شعاعی، انواع ارتباطات ممکن [بین اعضا] را مشخص می‌کند. در مورد چندمعنایی، انواع

1. Ad hoc

روابط ممکن، روابطی هستند که معانی یک واژه را به هم وصل می‌کنند. به صورت کلی، برخی از روابط، ممکن است متضمن اطلاعات مشترک باشند، برخی بر رابطه بین یک حالت کلی و یک حالت خاص دلالت کنند. برخی دیگر ممکن است استعاری باشند... اما روی هم رفته، تنها تعداد کمی از انواع روابط بین معانی واژگان وجود دارند."

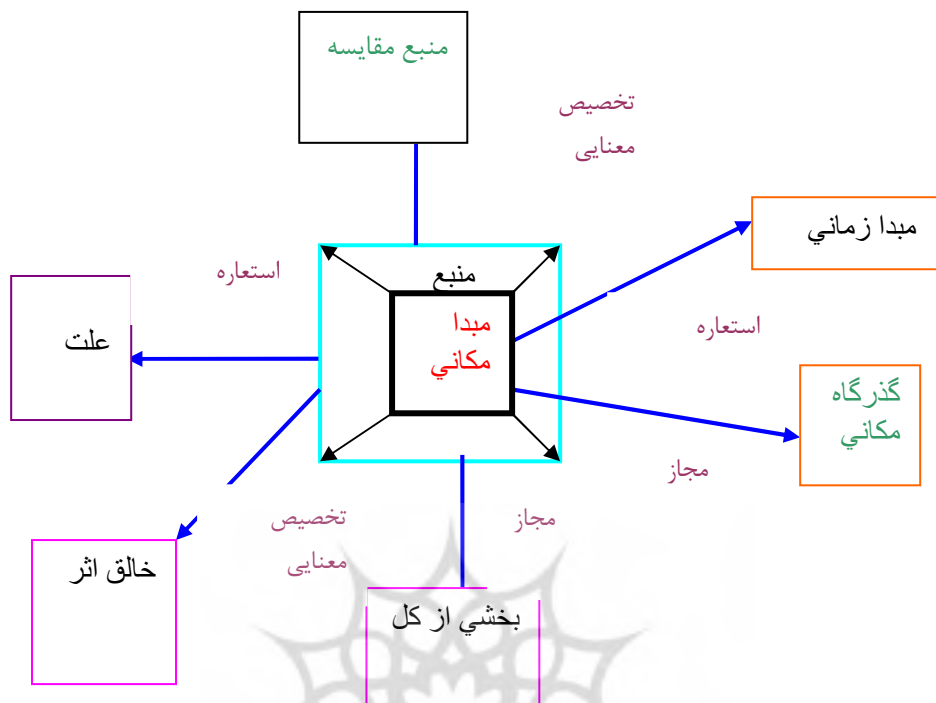
بروگمان ولیکاف سپس ادامه می‌دهند که این گونه مطالعات از آن جهت مهم‌اند که: "... نشان می‌دهند که روابط بین معانی [یک واژه] دلخواهی نیستند بلکه اصولی، نظام‌مند و متداول در واژگان هستند. به علاوه این روابط، طبیعی هستند، به این معنا که یا روابطی هستند که به صورت طبیعی در درون نظام شناختی ایجاد می‌شوند و یا از طریق استعاره‌هایی ایجاد می‌شوند که خود در نظام مفهومی ما جایگاه مستقلی دارند." (همان، ص ۱۱۰).

۲.۴. معنای نوع نخست (از)

در مورد (از) هم، همانند دیگر حروف اضافه مکانی، معنای مکانی، معنای نوع نخست است. این معنا، سپس از طریق سازوکارهایی چون استعاره، مجاز، بسط و تحدید معنایی، به ایجاد معنای دیگر کمک می‌کند و شبکه معنایی (از) را می‌سازد. به این ترتیب، معنای نوع نخست (از) بیانگر مبدأ و نقطه آغاز مکانی است. و همین دلالت بر نقطه آغاز است که به بسط معنایی انتزاعی، چون علت، می‌انجامد.

همان‌طور که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، انتخاب معنای مکانی به عنوان معنای نوع نخست، امری دلخواهی نیست و توسط شواهد متعدد تأکید می‌شود.

حال ببینیم شبکه معنایی حرف اضافه (از) چگونه باید ترسیم شود و ارتباط بین گره‌های مختلف این شبکه را چگونه می‌توان تبیین کرد. انگاره زیر، مدل پیشنهادی نگارندگان برای شبکه معنایی حرف اضافه (از) است:



همان‌طور که ملاحظه می‌شود (از) پیکره‌بندی مکانی پیچیده‌ای برای زمینه خود نمی‌طلبد، بلکه زمینه (از) به‌عنوان یک شیء صفربُعدی و نقطه‌وار مفهوم‌سازی می‌شود. البته واضح است که (از) می‌تواند زمینه‌هایی با ابعاد یک، دو و سه بعدی هم داشته باشد، لیکن این ابعاد در مورد (از) غیرمرتبط هستند و همهٔ زمینه‌های (از) صرفاً به‌مثابه نقطه، مفهوم‌سازی می‌شوند.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش دو هدف کلی داشت. نخست، در پی آن بود که به معناشناسی حرف اضافه مکانی (از) در چارچوب شناختی بپردازد. اما هدف دوم آن بود که با بررسی این حرف اضافه در چارچوب معناشناسی شناختی نشان دهیم که رویکرد شناختی می‌تواند نسبت به رویکردهای سنتی تحلیل بهتری از معناشناسی حروف اضافه مکانی به‌دست دهد. این روش چیزی بیش از یک فهرست از کاربردهای "از" در بافت‌های مختلف و معانی آن ارائه می‌دهد چراکه روابط مفهومی بین این معانی را هم ظاهر می‌سازد و بنابراین این گمان متداول را رد می‌کند که معانی حروف اضافه کاملاً دلخواهی هستند.

منابع

خطیب رهبر، خلیل (1367)، دستور زبان فارسی، کتاب حروف اضافه و ربط. تهران: انتشارات سعدی.

گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی راد (1385). "بررسی حروف اضافه مکانی در چارچوب شناختی: مطالعه موردی حرف اضافه در/ توی". *مجله زبان و زبانشناسی*، سال دوم، شماره اول، صص ۳۳-۴۶.

همایونفرخ، عبدالرحیم، دستور جامع زبان فارسی، انتشارات علمی، چاپ سوم، ۱۳۶۴
پایگاه داده‌های زبان فارسی (<http://pldb.ihs.ac.ir>)

یوسفی راد، فاطمه، بررسی حروف اضافه زبان فارسی در چارچوب معناشناسی شناختی با نگاه ویژه به حروف اضافه مکانی، رساله دکترا، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷

- Brugman, Claudia and George Lakoff (۲۰۰۳). "Cognitive Topology and Lexical Networks". in *Cognitive Linguistics, Basic Reading*, edited by Dirk Geeraerts, Mouton de Gruyters.
- Cuyckens, Hubert (1991). *The Semantics of Spatial Prepositions in Dutch*. PhD thesis. Universitaire Instelling Antwerpen.
- _____ and Britta Zawada (2001). *Polysemy in Cognitive Linguistics*. Amsterdam: John Benjamins.
- Geeraerts, Dirk (1998). "Where Does Prototypicality Come From?". in B. Rudzka-Ostyn (ed.), *Topics in Cognitive Linguistics*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company. 207-229.
- _____ (2006). *Words and Other Wonders*. Papers on Lexical and Semantic Topics, Mouton de Gruyter, Berlin / New York.
- _____ and S. Grondelaers, and P. Bakema (1994). *The Structure of Lexical Variation. Meaning, Naming, and Context*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Navarro, Ignasi and I. Ferrando (2002). "Towards a Description of the Meaning of AT". in *Perspectives on Prepositions*. Edited by Hubert Cuyckens and Gunter Radden. Tübingen.
- Lakoff, George (1987). *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- _____ and Mark Johnson (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago. Chicago University Press.